

تاخیر این عمل را شرح بدهیم به خاک پای همایون کمال جسارت و منت‌های بی ادبی خواهد بود. در این عصر کدام ذی شعوری است که فواید راه آهن را مثل آفتاب معترف و بر اعجاز آن مقرر نباشد بنابراین از لزوم و منافع این عمل هیچ عرضی نخواهیم کرد... اکنون انجام این مطلب بزرگ که بلاشک اسباب احیای جمیع این صفحات خواهد بود منوط به یک اشاره شاهی است. هرگاه اسم مبارک همایون خود را برین امتیازنامه مرقوم فرمایند به همین گردش یک قلم بیش از جمیع خدماتی که سلاطین ایران درین چند هزار سال به ملت خود کرده‌اند، به این آب و خاک و ملت مرحمت و احسان و عطای حیات حقیقی فرموده‌اند.

قرارداد رویتر به واسطه مخالفت شدید دولت روس و اعتراضات رجال غیر متملق و علمای وقت ایران پس از چندی ملغی گشت ولی پس از روی کار آمدن امین السلطان و وزیر مختاری (سر درموند ولف) در سفارت انگلیس در ایران، مذاکراتی برای خاتمه دادن به ادعای رویتر آغاز گشت و منجر به دادن امتیازنامه بانک شاهنشاهی به بارون رویتر گردید.

امتیازی که به وی داده شد چیزی کمتر از قرارداد رویتر نبود و چندی بعد هم بانک شاهنشاهی به موجب اجازه‌ای که از دولت ایران تحصیل کرده بود حقوقی را که برای استخراج و بهره‌برداری معادن ایران داشت به یک شرکت انگلیسی که در ایران به نام: (شرکت معادن ایران) تاسیس شده بود به مبلغ ۶۵۰ هزار لیره انگلیسی واگذار کرد. سرمایه این شرکت یک میلیون لیره بود که عده‌ای از سرمایه‌داران روسی و بلژیکی و فرانسوی هم در آن شرکت داشتند.

شرکت معادن ایران چند سالی در ایران به کاوش مشغول شد ولی چون سرمایه کافی نداشت توفیقی نیافت.

پانویس‌ها:

- ۱- شیخ غلامحسین تبریزی پدر عبد خدایی‌ها و از روحانیون مورد علاقه مردم مشهد بود.
- ۲- مصطفی فاتح، پنجاه سال نفت ایران، ص ۲۴۸.
- ۳- درباره قرارداد ۱۹۱۹ که بعضی به اشتباه و یا تعمداً مدعی هستند احمدشاه مخالف آن بوده، نویسنده این سطور به اعتبار سندی که در اختیار دارد در مقاله مفصلی که در روزنامه‌های اطلاعات ۳۰ تیر ۷۵، کیهان هوایی ۱۰ مرداد ۷۵ و رسالت ۱۷ مرداد ۷۵ نوشت خلاف این ادعا را ثابت کرد. این مقاله با تصویر روزنامه‌های مذکور در کتاب: (قضاوت تاریخ از آقا محمدخان تا محمدرضا شاه) آمده است. تصویر این سند که روزنامه تایمز لندن مورخ سوم نوامبر ۱۹۱۹ می باشد به خواسته دکتر ولایتی در اختیار ایشان قرار گرفت و اواخر سال ۱۳۷۶ توسط فیلمبرداران مرکز اسناد انقلاب اسلامی تهران و مشهد ضمن مصاحبه با نویسنده، از آن و نشریات قدیمی که در آرشیو شخصی دارد فیلمبرداری کردند. ان شاءالله در فرصت مناسب در مورد قرارداد فوق در مجله گزارش خواهیم نوشت تا این حقیقت تاریخی یادآوری شود.
- ۴ و ۵ - پنجاه سال نفت ایران، ص ۲۴۶.

عنایت می فرمودی تا از این ثروت خدادادی به نحو کامل استفاده می کردیم و دست‌های ناپاک را که چشم طمع به آن دوخته‌اند قطع می نمودی؟).

اکنون با این مقدمه سراغ قراردادهایی می‌رویم که توسط بعضی از حاکمان نالایق و سودجو برای غارت معادن زرخیز میهن ما، با بیگانگان منعقد شده است.

قرارداد رویتر

وقتی قراردادهای منعقد بین دولت‌های گذشته‌ی ایران با کمپانی‌هایی مانند (رویتر) که تمام منابع تولید ثروت ایران برای مدت هفتاد سال به بارون ژولیوس دو رویتر در سال ۱۲۸۹ قمری (۱۸۷۲ میلادی) در دوران ناصرالدین شاه منعقد شد به عللی به سرانجام نرسید، زیرا انگلیس‌ها به واسطه‌ی موافقت با روس‌ها و یا بالعکس، روس‌ها با انگلیس‌ها خودشان دیگر موضوع را دنبال نکردند و بعد به نحو دیگری از آن استفاده کرده به گرفتن امتیاز بانک شاهی اکتفا کردند، زیرا بارون رویتر... دست از دعاوی خویش برنمی داشت و هر چند وقت یک بار توسط سفارت انگلیس به دولت ایران اعتراض می کرد و ادعای خسارت خود را ضمن پیشنهادهای مختلف تجدید می نمود (۲) تا آن جا که لرد کرزن که خود طراح قرارداد ۱۹۱۹ بین ایران و انگلیس بود و این قرارداد را با دادن رشوه به وثوق الدوله نخست‌وزیر وقت و نصرت الدوله وزیر خارجه و صارم الدوله وزیر دارایی، (۳) اعتراف می کند که: (وقتی که امتیاز رویتر منتشر گشت مندرجات آن حاکی از تسلیم کامل و خارق العاده کلیه منابع صنعتی کشور به بیگانگان بود و این کاری بود که هیچگاه در تاریخ سابقه نداشته و حتی شاید خواب آن را هم کسی نمی دیده است...) (۴)

این قرارداد: (علاوه بر موادی که مربوط به ساختن راه آهن و تراموای بوده برای مدت هفتاد سال حق انحصار استخراج کلیه معادن ایران را به استثنای طلا و نقره و سنگ‌های قیمتی و انحصار بهره‌برداری از جنگل‌های دولتی که کلیه اراضی بایر هم مشمول آن می‌شد و انحصار ساختن کانال و قنات و هر گونه تاسیسات آبیاری را به صاحب امتیاز می داد و نیز ایجاد بانک ملی و هر گونه تاسیسات مربوط به ساختن جاده‌ها و خطوط تلگرافی و کارخانه‌ها و کارهای عمومی از هر قبیل را برای بارون دورویتر محفوظ می داشت، کلیه گمرکات کشور از اول مارس ۱۸۷۴ تا بیست و پنج سال به اجاره‌ی صاحب امتیاز در می آمد و او مبلغ معینی در پنج سال اول به شاه پرداخته و در بیست سال بعد شصت درصد از درآمد خالص گمرک به مبلغ مذکور اضافه می گشته نسبت به سایر منافع بیست درصد از سود راه آهن و پانزده درصد از سایر منابع برای دولت ایران منظور گشته بود، اینها شمه‌ای از مندرجات امتیازی بود که مانند توپ در اروپا صدا کرد) (۵) حال ببینیم رجال دربار قاجاری در مورد این قرارداد به خواسته‌ی ناصرالدین شاه چه گزارشی به وی می دهند:

(ما جان نثاران به قدری که در قوه عقل و اطلاعات شخص خود بوده در باب راه آهن مذاکره و گفت‌وگو نمودیم هرگاه بخواهیم معظمتا نتایج آن کار و کثرت غبن و ضررهای

۱- نگاهی به قراردادهای نفتی

رویتر، اولین قرارداد نفتی



اسماعیل رزم آسا
روزنامه نگار و پژوهشگر
تاریخ مطبوعات ایران

گروه تاریخ ماهنامه گزارش قصد دارد از این شماره به بررسی ابعاد مختلف قراردادهای نفتی منعقد شده در حوزه نفتی ایران بپردازد که در این شماره ۲ قرارداد مورد بررسی قرار گرفته است و در شماره‌های بعد این روند ادامه خواهد یافت.

خدا رحمت کند مرحوم شیخ غلامحسین تبریزی (۱) معروف به شیخ غلامحسین ترک (درگذشت خرداد ۱۳۵۹) را که در ماه‌های مبارک رمضان در یکی از شبستان‌های مسجد گوهرشاد اقامه نماز می کرد و منبر می رفت. او یک روز با لپچه‌ی شیرینی که داشت گفت: (خدایا چه می شود که به ما هم دنیا را بدهی هم آخرت را، مگر از خزانه غیبیت کم می شود؟) حالا من می خواهم بگویم: (خدایا تو که یک سرزمینی با معادن غنی به ما داده‌ای چه می شد که همواره حاکمانی دلسوز و عاقل و فهیم و از هر جهت سالم و باشعور و وطن خواه به ما

قرارداد داری زمینه ساز حضور استعمار در ایران



هنگامی ما به قرارداد ایران و (داری) (۱) که به صحنه مظفرالدین شاه و امضا و مهر اتابک، میرزا نصرالله خان مشیرالدوله و نظام الدین غفاری، مهندس الممالک رسیده و ماریوت نماینده داری آن را نیز امضا کرده نظر می افکنیم، متوجه می شویم که چگونه معادن زرخیز کشور را به ثمن بخش در اختیار بیگانگان گذارده و برای دستمالی قیصریه ای را به آتش کشیده اند!

مصطفی فاتح به این موضوع اشاره کرده و می نویسد: (... آنچه بعدها محقق و معلوم شد این بود که کتابچی خان (۲) حق دلالی خوبی از این معامله برد و توانست برای خود و اولادش زندگانی با رفاهی در اروپا تهیه نماید و به قراری که جراید صدر مشروطیت به کرات ذکر کرده اند، نماینده داری در حدود ده هزار لیره هم به اتابک و مشیرالدوله و مهندس الممالک نقد پرداخت و شاید مخارج دیگری هم کرده است که اطلاع دقیقی از آن در دست نیست. (۳) او اضافه می کند که: (پس از آن که داری اولین شرکت را تشکیل داد و طبق مواد امتیازنامه بیست هزار لیره نقد و بیست هزار لیره سهام به دولت ایران تسلیم نمود، معلوم شد که جزو تعهدات خصوصی او این بوده است که سهامی معادل ده هزار لیره به اتابک و پنج هزار لیره به مشیرالدوله و پنج هزار لیره هم به مهندس الممالک به عنوان تعارف (یعنی قابل ندارد!) تسلیم نماید و اطلاع صحیحی در دست می باشد که داری به تمام تعهدات خود عمل کرد و سهام مزبور را به اشخاص نامبرده تسلیم نمود... (۴))

داری به سبب مخارج گزافی که کرده بود میل داشت امتیاز را به فروش رساند اما رغبتی به معامله با بیگانگان نداشت. دریاسالار (لرد فیشر) که سال ها در نیروی انگلستان خدمت می کرد و در صدد بود سوخت کشتی های جنگی انگلیس را تبدیل به نفت کند به فرماندهی نیروی دریایی انگلیس منصوب شد و فوری کمیته ای انتخاب کرد که قضیه تحصیل منابع کافی نفت را برای نیروی دریایی مطالعه نماید. لرد فیشر اطلاع یافته بود که داری امتیاز نفتی از ایران به دست آورده و

می خواهد آن را به فروش رساند. به همین جهت به کمیته دستور داد به هر طریقی شده امتیاز را برای دولت انگلیس تحصیل نماید ولی چون انگلستان یک کشور سرمایه داری و ظاهرا مخالف دخالت دولت در امور بازرگانی بود، نمی خواست مستقیما اقدام به خرید امتیاز یا سهام شرکتی را نماید. از طرفی هم می خواستند به هر قیمتی هست مانع شوند که امتیاز به دست خارجیان بیفتد.

لذا در صدد برآمدند سرمایه ی کافی برای داری تدارک ببینند تا به اقدامات خود بپردازد و زمینه را برای پذیرش عقیده عمومی که مخالف دخالت مستقیم دولت در امور بازرگانی بود فراهم سازد. این طرح با انتخاب یک سرمایه داری به نام (لرد استراتکو) که موجد راه آهن سرتاسری کانادا بود و ثروت هنگفتی به دست آورده و به سبب کهولت، گوشه نشینی اختیار کرده بود به مرحله اجرا گذاشته شد و (مستر پرتی من) که مامور ملاقات با لرد استراتکو بود، ده سال بعد در مجلس مبعوثان انگلیس ضمن نطقی اظهار داشت: (من خودم شخصا به ملاقات لرد استراتکونا رفته و قضیه را با او در میان گذاشتم و تقاضا کردم که او با نام و سرمایه خود به داری کمک کند تا این امتیاز از دست ما خارج نگردد. لرد استراتکونا فقط یک پرسش از من کرده و گفت: آیا پیشرفت و توفیق این پروژه به نفع نیروی دریایی انگلیس است که از من تقاضا دارید در آن شرکت نمایم؟" و همین که به او پاسخ مثبت دادم دیگر پرسشی نکرد و بدون هیچ گونه چون و چرا تقاضای مرا پذیرفت. در جای دیگر نطق خود (پرتی من) می گوید: تشرکات مجلس مبعوثان را باید تقدیم لرد استراتکونا و دیگران نمود که این امتیاز را سخت چسبیده و نگاه داشتند تا اینکه فرصتی برای دولت به دست آمد که آن را بعدا تحصیل نماید. از طرف دیگر پرتی من با شرکت نفت برمه که یک شرکت انگلیسی بود و به استخراج نفت برمه می پرداخت وارد مذاکره شده و از آن شرکت هم تقاضای مساعدت کرد که با حسن قبول تلقی شد... (۵))

این تلاش ها موجب شد که در سال ۱۹۰۵ شرکت جدیدی

به نام "سندیکای امتیازات" در شهر گلاسکو که بندر بزرگی در اسکاتلند می باشد تشکیل گردد و سهام و بهره برداری اولیه و امتیازنامه را مالک شود و سرمایه متناسبی هم برای ادامه عملیات در ایران تهیه نماید. صاحبان عمده ی این شرکت جدید عبارت بودند از: لرد استراتکونا و شرکت نفت برمه و داری.

عملیات حفاری بین سال های ۱۹۰۸ و ۱۹۱۴ که جنگ اول بین المللی آغاز گشت با سرعت پیشرفت داشت و تا سال ۱۹۱۴ سی حلقه چاه در مسجد سلیمان حفر گردید و یک خط لوله از مسجد سلیمان به آبادان کشیده شد که در سال ۱۹۱۲ به اتمام رسید.

در سال ۱۹۱۹ شرکت نفت، قراردادی با شیخ خزعل منعقد و یک میل مربع از اراضی آبادان را برای ایجاد پالایشگاه از او خریداری کرد و سال بعد ساختن پالایشگاه آغاز و سه سال و نیم بعد خاتمه یافت و بعدها به تدریج توسعه یافت. ناگفته نماند که به موجب قرارداد دیگری که شرکت با شیخ خزعل داشت، حفاظت ناحیه آبادان را شیخ در مقابل مبلغی که شرکت می پرداخت عهده دار بود و این یکی از دلایلی بود که انگلیس ها از وی حمایت می کردند.

پی نوشت:

۱- ویلیام ناکس داری تبعه ی انگلیس و پدرش وکیل دادگستری بود که در ۱۷ سالگی با تمام خانواده اش به استرالیا مهاجرت کرده بودند و برای امضای قرارداد نماینده اش را فرستاده بود، خود هرگز به ایران نماند.

۲- کتابچی خان از ارامنه ایرانی و در آن موقع متصدی اداره گمرک بوده است.

۳ و ۴- پنجاه سال نفت ایران ص ۲۵۴.

۵- همان ص ۱۲، ۲۵۷ - همان ص ۱۳، ۲۸۵ - همان ص

۲۹۹.

خواهد کرد و دستور داد که عصر همان روز جلسه‌ای با حضور او تشکیل شود تا کار فیصله یابد. (۳) عصر همان روز کدمن و مستر فریزر و دکتر یانگ به دربار رفته و پس از مراجعت با مسرت اعلام می‌کند: (فروغی و تقی زاده در جلسه حضور داشتند و شاه پرسید اختلاف بر سر چیست؟ پس از آن که پیشنهادهای طرفین گفته شد وسط را گرفته و دستور داد که حق الامتياز را به چهار شیلینگ در هر تن قطع نمایند. بعد من فواید پیشنهاد بیست درصد از عواید را شرح داده و تقاضای تمديد امتياز را کردم. شاه خیلی ناراحت شد و نمی‌خواست آن را قبول کند ولی من به او گفتم که بدون تمديد کار به انجام نخواهد رسید و بالاخره او قبول کرد.) (۱۴) تقی زاده که یکی از عاقدین این قرارداد بوده در قسمتی

ارسال داشت و فروغی در پاسخ دولت انگلیس متذکر شد ایران از این تهدیدات باکی ندارد. علت اینکه رضاشاه دست به چنین اقدامی زد، برای این بود که مذاکره‌ای که ۵ سال طول کشید به جایی نرسید و نمایندگان انگلیس به محض اینکه می‌دیدند دولت ایران در مقابل آنها مقاومت می‌کند و راضی به تمديد قرارداد نیستند، اعلام می‌کردند ما می‌خواهیم برویم! این بود که رضاشاه بدون مطالعه و مشورت به چنین اقدامی دست یازید.

تیمورتاش هم بر اثر سوء ظنی که رضاشاه به وی پیدا کرده بود در سوم دی ماه از کار برکنار و در خانه‌اش تحت نظر قرار گرفت و در ۲۹ بهمن با قرار صادره در اداره‌ی نظمیه زندانی و پس از محاکمه به اتهام اخذ رشوه از امین‌التجار به

بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که رضاشاه به معایب قرارداد داری پی برده و علاقه‌مند بود تجدیدنظری بشود و منافع ایران در نظر گرفته یا لغو شود. تیمورتاش وزیر دربار رضاشاه هم همواره سعی می‌کرد نظرات شاه را در این مورد تأمین کند. به همین جهت در ۱۲ اوت ۱۹۲۸ به (کدمن) که نمایندگی شرکت نفت را به عهده داشته می‌نویسد: (با تاسف اطلاع حاصل نموده‌ام که مذاکرات تاکنون به نتایجی که انتظار می‌رفت منتهی نشده است آیا باید از اشتراک منافع ایران و انگلیس در این موسسه باز سخنی به میان آورم؟ آیا باز هم از ملغی‌الاثر بودن امتياز نامه داری که در آن ایامی که دولت قاجاریه نمی‌دانست چه می‌گیرد و چه می‌دهد گرفته شده است باز اطاله مطلب کنم؟

بررسی دلایل فسخ قرارداد داری

۳- نگاهی به قراردادهای نفتی

از نطق خود در مجلس یازدهم گفت: (من شخصا هیچ وقت راضی به تمديد مدت نبودم و دیگران هم نبودند و اگر قصوری در این کار یا اشتباهی بوده تقصیر آن فعل نبوده بلکه تقصیر فاعل بوده که بدیختانه اشتباهی کرد و نتوانست برگردد. او خود هم راضی به تمديد نبود و در بدو اظهار این مطلب از طرف حضرات روبه‌روی آنها به تحاشی و وحشت گفت: "عجب این کار که به هیچ وجه شدنی نیست می‌خواهید ما که سی سال بر گذشته‌گان برای این کار لعنت کرده‌ایم، پنجاه سال دیگر مورد لعن مردم و آیندگان بشویم، ولی عاقبت در مقابل اصرار تسلیم شد.) (۵) معلوم است وقتی رئیس مملکتی پشتوانه مردمی نداشته باشد ناچار است، در برابر بیگانگان تسلیم شود و آنچه که آنها می‌گویند اطاعت کند ولو به زبان مردم و طش باشد با قول فاتح: (... هر وقت مقدرات مردمی به دست فردی افتاده و جامعه‌ای به آن درجه از انحطاط رسید که سرنوشت آن بسته به دست یک نفر بود- هر قدر هم آن فرد وطن پرست و مردم دوست و خیر خواه باشد- امید رستگاری برای چنین مردمی نیست. گذشته باید درس عبرتی برای آیندگان باشد و به هر ترتیبی هست باید از پیدایش حکومت‌های فردی اجتناب کرد.) (۶) در شماره آینده از چگونگی ملی شدن صنعت نفت سخن خواهیم گفت.

شش ماه زندانی و پرداخت جرایم محکوم و سرانجام در نهم مهر ماه ۱۳۱۲ در زندان قصر در سن ۵۲ سالگی به طرز مرموزی درگذشت. اما در مقابل چنین اقدام عجولانه‌ای که در عین حال به منظور استیفای حقوق ایران بود، تا آنجا که به نوشته مخبر السلطنه موقعی که کارا خان سفیر افغانستان به ایران می‌آید شاه از سفیر می‌پرسد: (... سفرا در قضیه‌ی الغای امتياز نفت چه می‌گویند؟ تصور نمی‌کنند که من در فسخ قرارداد محق باشم؟ سفیر می‌گوید منتظر نتیجه هستند. می‌فرمایند خاضرم کار با انگلیس به اسلحه بکشند و لو جانم در خطر باشد.) (ص ۲۹۸)

در چنین شرایطی یکباره اوضاع تغییر می‌کند و به (کدمن) که ابتدای امر تقاضای ملاقات با شاه را کرده بود گفته بودند تا پایان مذاکرات چنین ملاقاتی صورت نخواهد گرفت و از این قضیه بسیار رنجیده و به عذر کسالت در هیچ یک از جلسات مذاکرات شرکت نکرد و معاون او که ریاست هیات مدیره را عهده‌دار بود شرکت می‌کرد، وقت ملاقات داده شد. روز بعد لرد کدمن به اتفاق دکتر یانگ طبیب خود که زبان فارسی خوب می‌دانست به دربار می‌روند و در بازگشت شرح ملاقات خود را چنین توصیف می‌کند:

(شاه با نهایت مهربانی ما را پذیرفت و مثل اینکه هیچ اطلاعی از جریان مذاکرات ندارد درباره پیشرفت مذاکرات استفسار کرد. من به او گفتم که پیشنهادهای نمایندگان دولت به اندازه‌ای سنگین است که شرکت نمی‌تواند آنها را بپذیرد و لذا مذاکرات قطع شده است. شاه بی‌نهایت اظهار تعجب کرده و گفت که خود او بین طرفین واسطه شده و توافقی ایجاد

از هر مستشار حقوقی که استشاره کنید به شما خواهد گفت این امتياز نامه تاگزیر باید تجدید شود و از نو منعقد گردد.) (۱) مصطفی فاتح می‌نویسد: (مذاکرات از سال ۱۹۲۷ به بعد تحت نظر تیمورتاش انجام می‌گرفت و از روی انصاف باید گفت که تیمورتاش در تمام مذاکرات کوشش فراوان داشت که اختلاف با شرکت به طرز خوبی رفع شده و منافع ایران به بهترین وجهی تأمین گردد. متأسفانه آخر کار رئیس مملکت به او ظنین شد و تصور می‌کرد که تعویق در امر نفت تا اندازه‌ای مربوط به او می‌باشد... من حاضر و ناظر بودم که تیمورتاش نه تنها با جدیت در صدد استیفای حق ایران بود بلکه عجله هم در این کار می‌کرد و هیچگاه قصد تعویق کار را نداشت.) (۲) رضاشاه وقتی دید مذاکرات با نمایندگان شرکت نفت به جایی نمی‌رسد، دستور می‌دهد پرونده‌ی نفت را بیاورند مخبر السلطنه نخست وزیر وقت در "خطرات و خطرات" می‌نویسد: (... شب ششم آذر ۱۳۱۱ ش تیمورتاش وزیر دربار دوسیه را به هیات آورد. شاه تشریف آوردند و متغیرانه فرمودند دوسیه نفت چه شد؟ گفته شد حاضر است. زمستان است بخاری می‌سوزد. دوسیه را برداشتند انداختند توی بخاری و فرمودند نمی‌روید تا امتياز نفت را لغو کنید. تشریف بردن نشستیم و امتياز را لغو کردیم. (ص ۵۰۳ همان)

سید حسن تقی زاده وزیر مالیه در دهم آذر لغو امتياز را به مجلس اعلام کرد و سه تن از نمایندگان در تأیید این اقدام سخنانی ایراد کردند و دو روز بعد مدیران انگلیسی شرکت نفت به دولت ایران اعتراض کردند ولی جالب‌تر از آن در ۲۳ آذر ۱۳۱۱ دولت انگلستان که اصولاً طرف قرارداد نبود خود را وارد معرکه کرد و یادداشت شدیدالحنی به وزارت امور خارجه

پیش‌نوشت:

- ۱- پنجاه سال نفت ایران، مصطفی فاتح، ص ۲۵۷.
- ۲- همان ص ۲۹۹.
- ۳ و ۴- همان ص ۳۰۱.
- ۵- همان ص ۳۰۲.
- ۶- همان ص ۳۰۳.